

Rules Governing the Use of Interpretive Narratives

Mohsen Qamarzadeh¹
Fatemeh Sadat Arfa²

Abstract

Interpretative narratives, which are the most important sources of understanding the verses of the Qur'an, are narratives that explain God's purpose from the verse or provide the context for its understanding. Full enjoyment of interpretive narratives is based on rules. The researcher in the field of interpretation can avoid making errors and mistakes in the interpretation process and achieve the true purpose of God through observing these instructions and rules. Although some of these rules have been the focus of scholars of interpretation and have been used in the process of interpretive research, these rules have not yet been fully and solidly provided. The current study, by using a library-based descriptive-analytic method, has dealt with the analysis of the rules for the use of interpretive narratives in two rational and narrative sections. In the section of rational rules, the items such as avoidance of extremes in the efficacy of interpretive narrations, focusing on the inconsistency in the interpretive narratives, etc. and in the section of narrative rules such as the necessity of identifying weak and fabricated traditions, awareness of adaptations and extreme interpretations, concentrating on semantic development in the narratives and so on, have been considered. The rational rules governing the use of interpretive narratives are derived directly from reason and its analyses. Avoiding the extremes in the efficacy of interpretive narratives, the necessity to distinguish between narratives based on commentary, interpretation, and comparison; paying attention to the intrinsic inconsistency of interpretive narratives, the necessity of benefiting from all the interpretive narratives related to the verse, considering the books of interpretation insufficient, the accurate matching of the narratives to the verses, are some of the things that have been explained as rational rules in this study.

Keywords

interpretive narratives, rules, rational rules, narrative rules.

1. Researcher and PhD candidate in Qur'an and Hadith, Qom, Iran. ghamarzadehm@gmail.com.

2. Member of the Department for Qur'an Interpretation at Kawsar Research Institute for Specialized Studies, Qom, Iran. fa_arfa@yahoo.com



قواعد حاکم بر بهره‌مندی از روایات تفسیری

* محسن قمرزاده

** فاطمه السادات ارفع

چکیده

روایات تفسیری که از مهم‌ترین منابع فهم آیات قرآن‌اند، روایاتی هستند که مراد خداوند در آیه را بیان می‌کنند یا زمینه فهم آن را فراهم می‌سازند. بهره‌مندی کامل از روایات تفسیری، بر قواعدی استوار است. پژوهشگر وادی تفسیر با رعایت این قواعد و دستورالعمل‌هاست که می‌تواند در فرایند تفسیر از خطا و اشتباه دور باشد و به مراد واقعی خداوند دست یابد. هرچند برخی از این قواعد مورد توجه پژوهشگران حوزه تفسیر بوده‌اند و در فرایند پژوهش‌های تفسیری از آنها بهره گرفته شده، این قواعد تاکنون به شکل کامل و متقن تدوین نشده‌اند. پژوهش حاضر با روش کتاب‌خانه‌ای و به صورت توصیفی تحلیلی به واکاوی قواعد بهره‌مندی از روایات تفسیری در دو بخش عقلی و نقلی پرداخته است. در بخش قواعد عقلی به مواردی همچون؛ دوری از افراط و تفریط در کارآمدی روایات تفسیری، توجه به عدم تناقض در روایات تفسیری و... و در بخش قواعد نقلی به مواردی از جمله؛ ضرورت شناسایی روایات ضعیف و ساختگی، آگاهی از تطبیق‌ها و تأویل‌های غالبانه، توجه به توسعه معنایی در روایات و... اشاره شده است. قواعد عقلی حاکم بر بهره‌مندی از روایات تفسیری، مستقیماً از عقل و تحلیل‌های آن به دست آمده‌اند؛ دوری از افراط و تفریط در کارآمدی روایات تفسیری، ضرورت تمایز میان روایات مبتنی بر تفسیر، تأویل و تطبیق؛ توجه به عدم تناقض درونی روایات تفسیری، ضرورت بهره‌مندی از همه روایات تفسیری ناظر به آیه و عدم اکتفا به کتب تفسیری، تطبیق دقیق روایات بر آیات، از مواردی هستند که به‌عنوان قواعد عقلی در این پژوهش تبیین کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها

روایات تفسیری، قواعد، قواعد عقلی، قواعد نقلی.

۱. مقدمه

روایات تفسیری از مهم‌ترین منابع تفسیر و تبیین کلام الهی به شمار می‌روند؛ روایاتی که به بیان مراد از یک آیه پرداخته‌اند یا زمینه‌های فهم مراد خداوند را از آیات قرآن فراهم می‌آورند (مهریزی، ۱۳۸۹: ص ۸). از زمان‌های گذشته استفاده از روایات تفسیری در تفسیر قرآن رواج داشته و با شیوه‌های متفاوتی صورت می‌گرفته است. اختلاف در به کارگیری شیوه‌های مختلف، زمینه‌ساز اختلافاتی در استفاده از روایات تفسیری در تبیین مفاهیم آیات الهی و مراد خداوند متعال گردیده است.

وجود روش‌های متفاوت و اختلاف‌ها در بهره‌مندی از روایات تفسیری، حاکی از آن است که قواعد متقنی لازم است که به پژوهشگر یاری رساند تا با رعایت این قواعد، خطاهای تفسیری‌اش کاهش یابد و به مراد واقعی خداوند دست پیدا کند. گرچه برخی از این قواعد، ارتكازی عقلا و پژوهشگران حوزه تفسیر بوده و در بسیاری موارد از مسیر آنها پژوهش‌های تفسیری صورت می‌گرفته است، تاکنون این قواعد به شکل کامل و متقن تدوین و تبیین نشده‌اند. این مقاله درصدد است به روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش‌ها پاسخ دهد: ۱. قواعد عقلی بهره‌مندی از روایات تفسیری کدام‌اند؟ ۲. قواعد نقلی که شیوه و روش پژوهشگر را در استفاده از روایات تفسیری از خطا دور می‌سازند؛ چه قواعدی‌اند؟ بر اساس مطالعاتی که انجام شد، تحقیقی که به‌طور کامل به تبیین قواعد مذکور پرداخته باشد، یافت نشد؛ هرچند کتاب‌ها و مقالاتی مرتبط با موضوع وجود دارد. در کتاب اصول و قواعد فقه الحدیث از محمدحسن ربانی و شناخت فهم حدیث از مجید معارف، پاره‌ای از اصول و روش‌های فهم حدیث بررسی شده است. از برخی کتاب‌ها مانند: آسیب‌شناسی روایات تفسیری نوشته علی‌اکبر رستمی، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری نوشته محمد اسعدی و مقاله آسیب‌شناسی روایات تفسیری نوشته محمدتقی دیاری بیدگلی، که به بیان آسیب‌های روایات تفسیری پرداخته‌اند، می‌توان به شکل ضمنی به برخی قواعد بهره‌مندی از روایات تفسیری دست یافت. در مقالات «ضوابط فهم حدیث در لسان اهل بیت (علیهم‌السلام)» از مجید معارف، «روش آموزی روایات تفسیری» نوشته محمد اسعدی و «شان تعلیمی روایات تفسیری از دیدگاه علامه طباطبایی» نوشته مجید معارف و شادی نفیسی، به بعضی از

روش‌هایی اشاره شده که مستقیم یا غیرمستقیم از روایات در زمینه فهم حدیث می‌توان دریافت.

۱. مفهوم‌شناسی

از مهم‌ترین مراحل در پژوهش علمی، تشریح واژه‌ها و کلمات کلیدی است. بی‌توجهی به معانی واژگان و کاربردهای آنها موجب بروز خطا و اشتباه در تبیین مطالب و رساندن مقصود به مخاطب می‌گردد. برای تبیین مسئله مورد بررسی در این مقاله، لازم است واژه‌های «قواعد» و «روایات تفسیری» واکاوی شوند.

۱-۱. مفهوم قواعد

«قواعد» جمع قاعده است و قاعده در زبان عربی، معانی و کاربردهای متعددی مانند پایه و اساس دارد (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱: ص ۲۳۹). فراهیدی و ابن‌فارس، «قواعد البیت» را پایه‌های خانه معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ص ۱۵۰۲؛ ابن‌فارس، ۱۳۸۷، ج ۱: ص ۸۲۸). در تعریف اصطلاحی قاعده آمده است: قاعده در اصطلاح به معنای ضابطه است و آن امری کلی منطبق بر تمامی جزئیات است (فیومی، ۱۴۰۵، ج ۱: ص ۵۱۰). جرجانی در تعریف قاعده، به جای امر کلی تعبیر به قضیه کلی کرده است (جرجانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ص ۲۱۹). مقصود از قواعد عقلی، آن دسته از قواعدند که مستقیماً و به‌طورمستقل، از عقل و تحلیل‌های آن به دست آمده باشند و مستند اساسی آنها نقل نباشد؛ هرچند مستندات نقلی با مفاد ارشادی خویش، آن را تأیید کنند (هادوی تهرانی، ۱۳۸۱: ص ۵۰).

مراد از قواعد نقلی، قواعدی هستند که با استناد به متن احادیث معصومان علیهم‌السلام به دست آمده‌اند و اگر احادیث در این باره سکوت می‌کردند راهیابی به این قواعد امکان‌پذیر نبود (عیسی‌زاده، ۱۳۹۸: ص ۶۹). این قواعد در پرتو باور به روشمندی روایات و شأن تعلیمی آنها حاصل می‌شوند، بدین گونه که به صاحبان روایات به‌مثابه معلمان روش تفسیر و نه صرفاً آموزگاران ساده معانی قرآن نگریسته شود و روایات، مشتمل بر روش‌ها و ضوابط قابل تطبیق در فهم و تفسیر دیگر آیات در نظر گرفته شوند.

۱-۲. روایات تفسیری

روایات تفسیری به روایاتی گفته می‌شود که بخشی از آیه، در آنها آمده باشد یا روایت، ناظر به آیه‌ای باشد که خود آیه، در حدیث گفته شده نیست، ولی به بیان مراد خداوند در آن آیه پرداخته یا زمینه فهم آن را فراهم آورده است (مهریزی، ۱۳۸۹: ص ۷). هر چند تعریف‌های دیگری نیز در تبیین روایات تفسیری بیان شده است، به نظر می‌رسد از بررسی تفاسیر روایی و مآثور نیز تعریف یادشده به دست می‌آید.

۲. قواعد بهره‌مندی از روایات تفسیری

قواعد بهره‌مندی از روایات تفسیری، دستورالعمل‌هایی هستند که باید برای بهره‌مندی دقیق و کامل از روایات تفسیری به آنها توجه کرد. پژوهشگر روایات تفسیری درصدد ارائه یک تبیین صحیح از روایات و سپس تفسیر درست از آیات قرآن است. اگر مفسر در فهم حدیث و به کار بستن آن در فرایند تفسیر، درست و روشمند عمل نکند، ممکن است دچار لغزش‌ها و خطاهایی گردد که جبران آنها بسیار سخت باشد؛ چراکه خطای روشی می‌تواند در همه مراحل کار تفسیر اثر بگذارد و در بسیاری موارد پژوهشگر را به خطا بیندازد. این قواعد در دو بخش عقلی و نقلی بررسی می‌شوند.

۱-۲. قواعد عقلی حاکم بر بهره‌مندی از روایات تفسیری

قواعد عقلی حاکم بر بهره‌مندی از روایات تفسیری، آن دسته از قواعدی‌اند که مستقیماً از عقل و تحلیل‌های آن به دست می‌آیند.

۱-۱-۲. دوری از افراط و تفریط در کارآمدی روایات تفسیری

اعتماد به هر سخنی که حدیث خوانده شده در جانب افراط، و سخت‌گیری در پذیرش حدیث در جانب تفریط، زمینه عدم بهره‌مندی دقیق و کامل از روایات تفسیری را موجب می‌شود. نگاه افراطی در نقد و بررسی نکردن روایات تفسیری موجب شده است احادیث مخالف با ضروریات دینی یا ظاهر قرآن و داده‌های مسلم تاریخی در تفاسیر روایی کهن و متأخر دیده شوند (مسعودی، ۱۳۹۶، ج ۲: ص ۲۰۳)؛ برای نمونه تعدادی از مصادر در تفسیر البرهان بحرانی،

اعتبار کافی و لازم را ندارند. بابایی در کتاب مکاتب تفسیری، آمیختگی این تفسیر به روایات ضعیف و غیر قابل اعتماد و در برداشتن روایات نامناسب با عصمت و مقام بلند انبیا و اوصیا و دال بر قرائت‌های شاذ را از کاستی‌های این تفسیر برمی‌شمارد (بابایی، ۱۳۹۲، ج ۱: ص ۳۷۵). همچنین رویکرد افراطی سخت‌گیری در پذیرش حدیث نیز، موجب می‌گردد دسته‌های بزرگ و پرتعدادی از احادیث کنار نهاده شوند و پژوهشگران از آنها محروم بمانند؛ بدین جهت گردآوری احادیث ضعیف و تقویت آنها زمینه حداکثر بهره‌مندی از روایات تفسیری را فراهم می‌سازد.

۲-۱-۲. ضرورت تمایز میان روایات مبتنی بر تفسیر، تأویل و تطبیق

در میان روایات تفسیری، برخی تفسیر آیه، برخی تطبیق و برخی دیگر تأویل آیه‌اند که گاهی از مورد اول به ظاهر و از دو مورد بعدی به باطن نیز یاد می‌شود (رستمی، ۱۳۸۰: ص ۳۲۵). انواع مختلف این روایات در منابع تفسیری روایی گرد آمده‌اند، بدون آنکه توضیحی در تشخیص هریک آمده باشد. توجه نکردن به این در آمیختگی و عدم تفکیک، پژوهشگر را در برداشت درست از آیات سرگردان می‌کند و مانع از فهم درست و عمیق آیات می‌شود؛ برای نمونه در تفسیر آیه شریفه «و ما ارسلنا من قبلك الا رجالا نوحی الیهم فاسألوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون» (نحل: ۴۳) روایات متعدد و معتبری بدون آنکه به بعد تأویلی آیه تصریح کنند، عبارت انتهایی آیه را به ضرورت رجوع به اهل بیت علیهم‌السلام تفسیر و بر تفسیر اهل الذکر بر ایشان تأکید می‌کند (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۱: ص ۲۶۷-۲۷۹).

علامه طباطبایی در تحلیل روایت‌های مذکور با نگاه تحلیلی به این نوع روایات چنین می‌گوید: «این روایت و روایات همانند آن از باب جری و انطباق مفاد آیه با یک مصداق خارجی است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ص ۲۵۷). ایشان آن‌گاه در ادامه این‌گونه دلیل می‌آورد: «از طرفی نمی‌توان آیه را به مراد خاصی اختصاص داد و از طرفی دیگر، مراد از واژه ذکر، با ملاحظه اختلاف اقوال مفسران، قرآن یا همه کتاب‌های آسمانی و یا معارف الهی است و در هر سه مورد، اهل بیت علیهم‌السلام اهل آن هستند؛ زیرا آنان به قرآن، کتب آسمانی و معارف الهی آگاه‌اند» (همان: ص ۲۵۸). علامه در انتها بیان می‌کند: «این روایت در مقام تفسیر آیه و از باب شأن نزول نیست» (همان).

مرزبندی شناختی روایات تفسیری و گونه‌شناسی آنها می‌تواند ما را از افتادن در خلط مفاهیم مذکور برهاند؛ چراکه شیوه روایات تفسیری یکسان نیست و هر دسته به گونه خاصی به بیان مراد الهی می‌پردازند. برخی از روایات با بیان مستقیم و نگاه معناشناسانه، بعضی از طریق ارائه مصداق‌های خارجی و دسته‌ای از طریق یکی دو مصداق، به معنایی رهنمون می‌شوند که هم قابل تطبیق بر ظاهر آیه باشد و هم مصداق ارائه‌شده و دیگر افراد را دربرگیرد (مسعودی، ۱۳۹۶، ج ۲: ص ۲۳۸).

۲-۱-۳. توجه به عدم تناقض درونی روایات تفسیری

اعتقاد به فهم مراد الهی از طریق روایات تفسیری مبتنی بر آن است که روایات دارای نظامی هماهنگ باشند و از درون یکدیگر را رد نکنند. علامه طباطبایی در این زمینه می‌گوید: «وقتی اخبار رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام را در ذیل موارد عام و خاص و مطلق و مقید قرآن به خوبی مورد بررسی قرار دهی، بسیار است که مثلاً از روایات عام، حکمی و از خاص، حکمی دیگر استفاده کنی و این یکی از کلیدهای فهم آیات است» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ص ۲۶۰)؛ بنابراین هیچ تناقض و تنافی بین احادیث صحیح‌السند معصومان علیهم‌السلام وجود ندارد و اختلاف ظاهری موجود با اندک تأملی از بین می‌رود.

از عوامل موثر در تعارض ظاهری روایات می‌توان به بیان مصداق، تخصیص و تقید، نقل به معنا، تقطیع در روایت و بیان مراتب معنایی اشاره کرد (عیسی‌زاده، ۱۳۹۸: ص ۱۳۶-۱۴۴). با شناخت دقیق عوامل تناقض‌نما در روایات تفسیری، امکان پالایش احادیث فراهم می‌آید و هماهنگی و وفاق در آنها استقرار می‌یابد.

۲-۱-۴. ضرورت بهره‌مندی از همه روایات تفسیری ناظر به آیه و عدم اکتفا به کتب تفسیری

برای تفسیر یک آیه، به مجموعه‌ای از روایات مرتبط و ناظر به یک آیه نیاز است که امکان تفسیر دقیق آن را بر اساس روایات فراهم می‌آورد. چنین مجموعه‌ای را می‌توان خانواده احادیث ناظر به آیه خواند (مسعودی، ۱۳۹۶، ج ۲: ص ۸۲). درحقیقت برای فهم صحیح و درست از آنچه اهل بیت علیهم‌السلام از یک آیه ارائه کرده‌اند، باید همه روایات مرتبط با آیه را گرد آورد و آنها را در کنار هم تحلیل و تبیین کرد. به عبارت دیگر با نظر در روایات

موجود، به دست می‌آید که احادیث وارد شده در یک موضوع از جهت اجمال و تبیین، عام و خاص و غیره وضع یکسانی ندارند (معارف، ۱۳۸۷: ص ۶۰)؛ بدین جهت لازم است به یک یا دو منبع تفسیر روایی اکتفا نشود، از همه تفاسیر و جوامع روایی استفاده شود، همچنین جهت غنای بیشتر خانواده احادیث، از روش تفسیر تطبیقی و ملاحظه تفاسیر اهل سنت غفلت نشود. هرچند پژوهش در چنین گستره وسیعی از روایات تفسیری، کار را دشوار می‌نمایاند، تدوین نرم‌افزارهای قرآنی و تفسیری و جستجوی موضوعی، ما را در گردآوری روایات تفسیری پراکنده از میان کتاب‌های تفسیری و روایی یاری می‌رساند.

۵-۱-۲. تطبیق دقیق روایات بر آیات

استفاده از روایات تفسیری مستلزم تحلیل معنایی و دلالتی روایات و ارتباط دقیق آنها با آیه مورد نظر است. گاهی تحلیل معنایی و دلالتی نکردن روایات موجب می‌گردد روایاتی صرفاً به سبب ارتباط ظاهری با آیات، به مثابه تفسیر آیات ذکر شوند؛ به همین جهت ملاحظه می‌شود که برخی واژگان قرآنی که در فضای یک آیه مفهوم و مصداق خاص خود را دارند، به لحاظ اشتراک ظاهری با واژگانی که در برخی احادیث غیرمرتبط با آیات آمده‌اند، در حکم تفسیر یا تاویل آنها تلقی شده و موجب پیچیدگی این آثار و توجیه‌های تکلف‌آمیز تأویلی گردیده است (اسعدی، ۱۳۹۶، ج ۱: ص ۱۷۱).

از نمونه‌های بی‌دقتی در تطبیق معنا بر آیات با تکیه بر روایات تفسیری، در مورد آیه ۳۱ سوره الرحمن است که در منابع تفسیر روایی به آن توجه شده و بر اساس آن «ثقلان» بر قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام حمل شده است (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۷: ص ۳۹۱؛ حویزی، بی‌تا، ج ۵: ص ۱۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴: ص ۳۲۴). هرچند قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام به مقتضای حدیث معروف ثقلین، دو ثقل و گوهر گرانها هستند، تطبیق آن معنا بر آیه مذکور توجیهی ندارد؛ زیرا آیه در ضمن خطاب‌های عتاب‌آلود به جن و انس، این نکته را یادآور می‌شود که خیلی زود به حساب شما خواهیم پرداخت.

۲-۲. قواعد نقلی حاکم بر بهره‌مندی از روایات تفسیری

مراد از قواعد نقلی حاکم بر بهره‌مندی از روایات تفسیری، قواعدی هستند که با استناد

به متن احادیث معصومان علیهم السلام به دست آمده‌اند و بر اساس باور به روشمندی روایات تفسیری شکل گرفته‌اند.

۱-۲-۲. ضرورت شناسایی روایات ضعیف و ساختگی

در برخی از تفاسیر روایی، روایات ضعیف و ساختگی در کنار روایات معتبر نشسته‌اند و کار پژوهش را بر محقق دشوار کرده‌اند؛ بدین جهت بهره‌گیری از معیارهای نقد محتوایی حدیث (مطابقت با قرآن، عقل و تاریخ)، موجب کشف روایات ساختگی می‌شود. همچنین تخریح و تقویت روایات ضعیف، نقش مهمی در بهره‌گیری از این روایات دارد (مسعودی، ۱۳۹۶، ج ۱: ص ۱۳۳). گاهی در جریان نقد و بررسی، نه تنها روایت تفسیری رد نمی‌شود، بلکه به دلیل همراهی قرینه‌ها، قوت می‌یابد (همان، ج ۲: ص ۹۴).

امامان معصوم علیهم السلام افزون بر اعلام خطر در مورد اصل جریان وضع و جعل، به منظور پیشگیری از این جریان یا مقابله با آن، تدابیری اندیشیده‌اند، از جمله ذکر نام دروغ‌پردازان و جاعلان و لعن آنان (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲: ص ۳۴۰)، بیان ویژگی‌های احادیث صحیح (طوسی، ۱۳۴۸: ص ۲۲۴-۲۲۵)، تکذیب احادیث جعلی رایج (همان: ص ۲۲۲-۲۲۳) و ارجاع مردم به یاران مورد اعتماد خود برای گرفتن حدیث (همان: ص ۱۳۵-۱۳۶).

گاهی ساختگی بودن برخی روایات در مطابقت با آیات، قرآن آشکار می‌شود؛ برای نمونه بخاری در روایتی از ابوهریره که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است می‌آورد: «حضرت ابراهیم علیه السلام در روز قیامت، پدرش را غبار آلود و پریشان می‌بیند و به خداوند عرض می‌کند: تو به من وعده داده بودی که در روز قیامت مرا رسوا نمی‌کنی [پس چگونه است که پدرم به جهنم می‌رود]. خداوند می‌فرماید: من بهشت را بر کافران حرام کرده‌ام [چون او کافر بود، نمی‌تواند به بهشت برود]» (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۶: ص ۱۶). بر اساس آیات قرآن، حضرت ابراهیم علیه السلام عموی خود آزر را همواره با احترام، به توحید و کنار گذاشتن بت‌پرستی دعوت می‌کرد و برای دلجویی به او وعده می‌داد در صورت درآمدن به دین توحید، برای آمرزش گناهان او از خداوند طلب آمرزش خواهد کرد (مریم: ۴۱-۴۷؛ شعراء: ۸۶-۸۸). این درخواست قبل از روشن شدن دشمنی و عناد آزر با خداوند است؛ چراکه پس از آشکار شدن این دشمنی، ابراهیم علیه السلام از درخواست خود دست کشید (توبه: ۱۱۴) با توجه

به آیات قرآن مشخص می‌شود روایت صحیح بخاری از نظر محتوا با آیه ۱۱۴ سوره توبه مخالف است؛ از این رو روایت ساختگی است و کنار گذاشته می‌شود. گاهی تخریج و تقویت سندی یک روایت ضعیف، موجب می‌شود روایت در منبعی معتبر و با سندی قوی یافت گردد و در چرخه پژوهش قرار گیرد؛ برای نمونه عیاشی روایتی را به صورت مرسل از زراره و حمران از امام باقر و امام صادق علیهما السلام آورده است: «خداوند تبارک و تعالی صمد است و صمد چیزی است که تو خالی نیست». این روایت بدین صورت اعتبار سندی ندارد؛ اما با کمک تخریج، دو روایت با همین مضمون و با سند کامل و صحیح یافت می‌شود (صفار قمی، ۱۴۰۴ق: ص ۴۸۲؛ صدوق، ۱۳۶۱: ص ۱۷۱) و در مجموع اطمینان‌آور می‌گردند.

۲-۲-۲. آگاهی از تطبیق‌ها و تأویل‌های غالیانه

برای استفاده دقیق از روایات تفسیری، آگاهی از پدیده غلو و اندیشه‌های غلو آمیز راویان یا جاعلان روایات، حائز اهمیت است. در اصطلاح رجال‌شناسان غلو بر دو گونه به کار رفته است: ۱. غلو در ذات: یعنی قول به الوهیت ائمه علیهم السلام یا حلول روح خداوندی در آنان؛ ۲. غلو در صفات: مانند انتساب بسیاری از معجزات و کرامات به اهل بیت علیهم السلام (سبحانی، ۱۴۱۰ق: ص ۹۳). شکی نیست غالیان برای ترویج عقاید انحرافی و رسیدن به اهداف خود به جعل حدیث، تحریف آیات و روایات یا تأویل آنها به باطل اقدام کرده‌اند؛ اما به طور کلی در مورد شیوه‌های جعل و ترویج احادیث مزبور، می‌توان گفت حدیث‌سازی غلات بیشتر به صورت پنهانی انجام می‌شده است (دیاری، ۱۳۹۰: ص ۱۶۱). ائمه علیهم السلام همواره خطر غلات را گوشزد و با اقدامات متعدد در برابر آنان موضع‌گیری کرده‌اند. بازشناسی شخصیت غلات و منع شیعیان از هم‌نشینی با آنان و شنیدن سخن آنان (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۵: ص ۲۷۳)، اظهار بیزاری و لعن و نفرین غلات (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۵۵۱)، دروغ‌شمردن و تکذیب باورهای آنان (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۵: ص ۳۰۷)، ردّ عقاید غلات و بیان عقاید صحیح (همان: ص ۲۶۴) از جمله اقدامات و موضع‌گیری‌های امامان در برابر غلات بوده است.

نمونه‌ای از روایات تفسیری غلو آمیز در تفسیر آیه شریفه «و ما امروا الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلاة و يؤتوا الزكاة و ذلك دين القيمة» (البینة: ۵) این

حدیث است: مراد از زکات و نماز، حضرت علی علیه السلام و مراد از دین القیمة حضرت زهرا علیها السلام است (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۴: ص ۴۸۹). در سند این حدیث، عمرو بن شمر آمده است که او را ضعیف دانسته‌اند (خویی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳: ص ۱۰۶-۱۰۷)؛ همچنین حدیث با سیاق آیه سازگار نیست؛ زیرا «ذلک» اشاره به مطالبی دارد که در بندهای قبلی آیه به آن امر شده است؛ عبادت خالصانه برای خدا و داشتن دین خالص، اقامه نماز و پرداخت زکات. این موارد اساس دین‌اند که خداوند مردم را به رعایت آنها مأمور کرده است (شاکر، ۱۳۷۶: ص ۱۷۸)

۲-۲-۳. توجه به توسعه معنایی در روایات

از جمله مباحثی که در روایات تفسیری پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام مهم می‌نماید، توسعه در معنای کلمات یا آیات از جانب ایشان است. بر این اساس، آیه افزون بر مفهوم اولیه متبادر به ذهن، مفاهیمی فراتر اما هم‌راستا با مفهوم اولیه را شامل می‌شود؛ برای نمونه یکی از ویژگی‌های تفسیر اهل بیت علیهم السلام، الغای خصوصیت از بافت درونی آیه و لحاظ کردن عبارتی از آیه به صورت مستقل است؛ مانند تفسیری که درباره آیه «فلینظر الانسان الی طعامه» (عبس: ۲۴) آمده است. مطابق نقل کلینی، امام باقر علیه السلام آیه را به شکل یک گزاره مستقل دیده و در معنای آن فرموده است: «علمه الذی یاخذہ عمّن یاخذہ» [خوراک انسان که باید در آن بنگرد] علم او است که آن را فرا می‌گیرد؛ [باید بنگرد که] آن را از چه کسی فرا می‌گیرد» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۱: ص ۵۰). این در حالی است که اگر به بافت درونی سوره و سیاق آیات بنگریم، معنای آیه مذکور همان خوراک مادی است؛ زیرا هشت آیه بعدی ناظر به چگونگی رویش گیاهان و آفرینش خوراکی‌هایی چون زیتون و انگور و سبزی و خرما و دیگر میوه‌ها است. پس امام باقر علیه السلام با الغای خصوصیت، معنای عمیق‌تری برای آیه عرضه کرده است.

باید توجه داشت که الغای خصوصیت از سیاق و بافت درونی، ضابطه‌هایی دارد که آن را از تفسیر به رأی جدا می‌سازد (مسعودی، ۱۳۹۶، ج ۲: ص ۲۳۰).

۲-۲-۴. توجه به تقیه‌ای بودن برخی روایات تفسیری

اعتقاد به وجود محمل تقیه در روایات مفسر متن وحی، فرایند فهم احادیث تفسیری را به سمت و سویی سوق می‌دهد که در آن محتوای تفسیری تمام روایات، انعکاس مراد

خدای متعال نخواهد بود و تنها آن دسته از روایات چنین ویژگی‌ای خواهند داشت که از صورت تقیه‌ای بودن خارج باشند؛ چرا که تقیه‌ای بودن یک روایت بدین معنا است که معصوم علیه السلام با قرار گرفتن در شرایط مخالف، مجبور به بیان مطالبی برخلاف مراد واقعی خداوند می‌شود (عیسی‌زاده، ۱۳۹۸: ص ۱۵۵).

ضرورت رعایت تقیه در گفتار و کردار در شرایط خاص علاوه بر اینکه مورد تأیید و سفارش معصومان علیهم السلام بوده، از جانب ایشان نیز همواره به کار گرفته شده است. امام حسن عسکری علیه السلام در روایتی تقیه را از جمله بزرگ‌ترین فریض الهی پس از دوستی ائمه و دشمنی با دشمنان بر شمرده و فرموده است: «آگاه باش که بزرگ‌ترین فریضه خدا بر شما پس از دوستی ما و دشمنی با دشمنان ما، به کار بستن تقیه برای حفظ جان خود، برادران، آشنایان و پرداخت حقوق آنان است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۲: ص ۴۰۹).

از ملاک‌هایی که اهل بیت علیهم السلام برای تشخیص تقیه‌ای بودن روایات بیان کرده‌اند؛ عرضه احادیث بر قرآن و سنت قطعی و ضروریات مذهب امامیه است (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۸: ص ۹۸). هر آنچه در تعارض با این موارد باشد، به فرض اثبات صدور از معصوم علیه السلام باید بر وجه تقیه حمل شود و متناسب با قواعد تقیه با آن برخورد شود؛ برای نمونه روایتی از امام صادق علیه السلام در ذیل آیه «قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» (حجر: ۳۷ - ۳۸) نقل شده است که مراد از آیه را ابلیس بیان می‌کند: «روزی که در صور دمیده می‌شود و شیطان بین دمیدن صور اول و صور دوم می‌میرد» (فیض کاشانی، بی تا، ج ۳: ص ۱۱۲). علامه طباطبایی این روایت را از باب تقیه دانسته است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ص ۱۷۵).

۲-۲-۵. وجود روایات بطنی در روایات تفسیری

وجود مراتب معنایی و لایه‌های بطنی برای آیات قرآن، حقیقتی برگرفته از آیات و روایات اهل بیت علیهم السلام است که بر مبنای آن، آیات قرآن با مخاطبان خود بر اساس مراتب و مقامات آنان به سخن می‌نشیند و برای هر گروهی از آنان لایه‌ای از محتوای درونی خویش را می‌گشاید (طباطبایی، ۱۳۶۱: ص ۶۲).

در این میان ویژگی مهم معانی بطنی آن است که این معانی از طریق اصول رایج در محاورات و فهم عرف عقلا که برای تفسیر ظاهری آیات قرآن به کار می‌آیند، قابل دستیابی نیستند بلکه چنان که قرآن به آن اشاره کرده، شرط رسیدن به معانی بطنی آیات،

دستیابی به طهارتی است که بتواند زمینه لمس و مس کتاب مکنون را فراهم سازد (واقعه: ۷۸-۸۰) چنین مقامی با استناد به مفاد روشن آیات و روایات منحصر به پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام است (احزاب: ۳۳). تنها ایشان‌اند که می‌توانند معانی باطنی آیات را تبیین کنند و هر نوع تفسیر باطنی جز از ایشان حجیت ندارد (عیسی‌زاده، ۱۳۹۸: ص ۱۶۲).

در اثبات وجود روایات بطنی می‌توان به روایاتی استناد کرد که در آن، ائمه علیهم السلام به‌طور صریح از وجود چنین روایاتی در میان روایات تفسیری خود خبر داده‌اند. جابر از امام صادق علیه السلام که از ایشان در تفسیر آیه‌ای پرسش کرده بود، دو پاسخ متفاوت در دو زمان دریافت می‌کند. وقتی علت را جویا می‌شود، حضرت می‌فرماید: «ای جابر، برای قرآن بطنی است و برای آن بطن نیز بطنی وجود دارد و نیز برای قرآن ظهری هست و برای آن ظهر، ظهری می‌باشد. ای جابر هیچ چیزی از تفسیر قرآن نسبت به عقل‌های مردمان دورتر نیست؛ زیرا که یک آیه، اول آن درباره چیزی، وسط آن در چیزی و آخر آن در چیز دیگر و در عین حال کلامی متصل است که وجوه مختلفی دارد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ص ۷۳).

از جمله روایات بطنی، روایتی است که ذیل آیه «فإن أنستم منهم رشداً فادفعوا إليهم أموالهم» (نساء: ۶) از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «هرگاه دیدید آنان به آل محمد علیهم السلام محبت می‌ورزند، ارزش آنان را افزون کنید» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ص ۱۷۸).

علامه طباطبایی ذیل روایت چنین می‌گوید: «این روایت تفسیری، بطنی از آیه ارائه می‌دهد و در آن امامان و پیشوایان دین، پدران مؤمنان به شمار آمده‌اند و مؤمنان در هنگام دسترسی‌نداشتن به ائمه علیهم السلام یتیمان معارف خوانده شده‌اند؛ بنابراین هرگاه از انتساب آنان به ائمه علیهم السلام از طریق محبت و عشق‌ورزیدن به آن پدران معارفی به اثبات رسد، باید جایگاه آنان را در تعلیم معارف حقه اهل بیت علیهم السلام بالا برد و توجه بیشتری به آنان کرد» (همان).

۲-۲-۶. دقت در مضمون و دلالت روایات

روایات نیز همانند آیات قرآن، دارای محکم و متشابه‌اند (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۱: ص ۶۳). برخی احادیث لایه‌ها و مفاهیم نهفته‌ای دارند که دوری از فضا و زمینه‌های صدورشان می‌تواند برخی ابعاد معنایی آنها را بپوشاند (مسعودی، ۱۳۹۶، ج ۲: ص ۲۱۵). تأکید روایات بر

فهم عمیق و لزوم درایت در حدیث (صدوق، ۱۳۶۱: ص ۲) و نیز تصریح به وجود احادیث صعب و مستصعب در میان احادیث اهل بیت علیهم‌السلام (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۱: ص ۴۰۱) از تعامل ساده‌انگارانه با حدیث پرهیز می‌دهد.

این موضوع در احادیث تفسیری اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا این دسته از احادیث، درصدد روشن کردن لایه‌های نیمه‌پنهان و بطون نهفته قرآن‌اند و از این جهت تا خود به‌خوبی فهمیده نشوند، نمی‌توانند ما را به مقصود خداوند برسانند. ساده‌انگاری مانع کاویدن بطن و لایه‌های درونی حدیث می‌شود و پژوهشگر را از دقت عمیق در روایت باز می‌دارد و او را گرفتار موانع بزرگی چون جمود و توقف در لایه‌های رویین حدیث می‌کند (مسعودی، ۱۳۹۶، ج ۲: ص ۲۱۶).

در روایتی از امام صادق علیه‌السلام ذیل آیه شریفه «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» نقل شده است: «مراد از روح، قدرت ملکوتی است». در این روایت عنوان «قدرت ملکوتی» روشن نیست و روایت متشابه است. با توجه به روایات محکم دیگر، روشن می‌شود مراد از عنوان «قدرت ملکوتی» قدرت فعلی خداوند است که از قدرت ذاتی او سرچشمه می‌گیرد و از آن صادر می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ص ۱۷۴).

۲-۲-۷. توجه به نقش قرائن در بهره‌مندی از روایات تفسیری

از جمله راه‌های دستیابی به معنای واقعی سخن، به کارگیری قرائن است. در فرایند فهم روایات تفسیری، قرینه هر چیزی است که به‌نوعی با سخن، ارتباط دارد و مخاطب را در فهم مفاد آن یاری می‌رساند. قرائن به دو صورت متصل و منفصل تقسیم می‌شوند. قرائن متصل قرائنی‌اند که به سخن چسبیده‌اند و از آغاز در دلالت الفاظ و عبارات‌های متن بر مقصود گوینده نقش دارند. در مقابل، قرائن منفصل یا ناپیوسته، آنهایی‌اند که از فضای کلام جدا باشند و بعد از انتقال مخاطب به معنای ابتدایی، وی را در رسیدن به مراد اصلی متکلم یاری رسانند (صدر، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ص ۹۲).

از میان قرائن می‌توان به مسلمات و قطعیات عقلی اشاره کرد که از قرائن منفصل‌اند و در فهم روایات تفسیری مؤثر. از آنجا که امامان علیهم‌السلام آگاه‌ترین افراد بشر به همه علوم و معارف‌اند و گفته‌های آنان از منبع حق سرچشمه می‌گیرد، امکان تعارض احادیث ایشان با

مسلمات عقلی منتفی است. امامان علیهم‌السلام علاوه بر صدور احادیثی با مضمون حجیت عقل و اعتبار آن در تمییز حدیث صحیح از سقیم (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۱: ص ۱۱؛ حرانی، ۱۴۰۴ق: ص ۵۴) عملاً نیز حجیت عقل را اثبات کرده‌اند؛

برای مثال نقل شده است که در مجلس مأمون با حضور امام جواد علیه‌السلام یحیی بن اکثم نظر ایشان را درباره روایتی می‌پرسد که می‌گوید جبرئیل بر پیامبر نازل شد و به ایشان گفت خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید از ابوبکر پرس که آیا او از من راضی است. امام در پاسخ وی، حدیث مشهور پیامبر در حجة الوداع و کثرت احادیث جعلی بعد از ایشان را یادآور می‌شود؛ سپس با استناد به آیه شریفه «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ تَعَلَّمْ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق: ۱۶) مخفی بودن رضایت‌مندی یا نارضایتی ابوبکر را از خدایی که از شاه‌رگ انسان به او نزدیک‌تر است، محال عقلی دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ص ۲۴۵-۲۴۶). این روایت بر این نکته اشاره دارد که مسلمات عقلی و آنچه از نظر عقل محال است، قرینه فهم صحت و سقم روایات تفسیری است.

نتیجه‌گیری

۱. قواعد بهره‌مندی از روایات تفسیری، دستورالعمل‌هایی برای بهره‌مندی دقیق و کامل از روایات تفسیری است. پژوهشگر باید الزامات و قواعد مذکور را در نظر داشته باشد تا بتواند در فرایند تفسیر و بهره‌گیری از روایات تفسیری، درست و روشمند عمل کند و دچار خطا و اشتباه نشود.
۲. قواعد عقلی حاکم بر بهره‌مندی از روایات تفسیری، مستقیماً از عقل و تحلیل‌های آن به دست آمده‌اند. دوری از افراط و تفریط در کارآمدی روایات تفسیری، ضرورت تمایز میان روایات مبتنی بر تفسیر و تأویل و تطبیق، توجه به عدم تناقض درونی روایات تفسیری، ضرورت بهره‌مندی از همه روایات تفسیری ناظر به آیه و اکتفا نکردن به کتاب‌های تفسیری و تطبیق دقیق روایات بر آیات از مواردی هستند که به‌عنوان قواعد عقلی در این پژوهش تبیین شده‌اند.
۳. قواعد نقلی حاکم بر بهره‌مندی از روایات تفسیری، قواعدی‌اند که با استناد به متن احادیث معصومان علیهم‌السلام به دست آمده‌اند. ضرورت شناسایی روایات ضعیف و

ساختگی، آگاهی از تطبیق‌ها و تأویل‌های غالیانه، توجه به توسعه معنایی در روایات، توجه به تقیه‌ای بودن برخی روایات تفسیری، وجود روایات بطنی در روایات تفسیری و دقت در مضمون و دلالت روایات، از قواعد نقلی مستند به احادیث اهل بیت علیهم‌السلام هستند.



کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۳۸۷)، معجم مقائیس اللغة، چ ۲، بیروت: دارالجلیل.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، بیروت: دارصادر.
۴. اسعدی، محمد و دیگران (۱۳۹۶)، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، چ ۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. بابایی، علی‌اکبر (۱۳۹۲)، مکاتب تفسیری، چ ۶، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. بحرانی، هاشم (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷ق)، صحیح بخاری، چ ۲، بیروت: دارابن کثیر.
۸. جرجانی، علی بن محمد (۱۴۰۵ق)، التعریفات، بیروت: دارالکتب العربی.
۹. حرانی، علی بن حسین (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، چ ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین.
۱۰. حویزی، عبدعلی جمعه (بی تا)، تفسیر نورالثقلین، قم: مطبعة علمیه.
۱۱. خویی، ابوالقاسم (۱۴۰۳ق)، معجم رجال الحدیث، چ ۳، بیروت: منشورات مدینه العلم.
۱۲. دیاری بیدگلی، محمدتقی (۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی روایات تفسیری، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه‌ها، تهران: سمت.
۱۳. رستمی، علی‌اکبر (۱۳۸۰)، «آسیب‌شناسی روایات تفسیری»، نشریه پژوهش‌های قرآنی، ش ۲۵ و ۲۶.
۱۴. سبحانی، جعفر (۱۴۱۰ق)، کلیات فی علم الرجال، چ ۲، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۱۵. شاکر، محمد کاظم (۱۳۷۶)، روش‌های تأویل قرآن، چ ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۶. صدر، محمدباقر (۱۴۰۶ق)، دروس فی علم الاصول، بیروت: دارالکتب اللبنانی.
۱۷. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۱)، معانی الاخبار، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۸. صفار قمی، ابن فروخ (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم‌السلام، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۱)، قرآن در اسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۶)، الاحتجاج، نجف: دارالنعمان للطباعة و النشر.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۴۸)، اختیار معرفة الرجال، مشهد: مرکز تحقیقات و مطالعات دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. عیسی‌زاده، نیکزاد (۱۳۹۸)، مبانی فهم روایات تفسیری در المیزان، ج ۱، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، ج ۲، قم: نشر هجرت.
۲۶. فیض کاشانی، محسن (بی‌تا)، تفسیر صافی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۷. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۰۵ق)، المصباح المنیر، ج ۲، قم: دارالهجرة.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ق)، الکافی، ج ۴، بیروت: دارصعب و دارالتعارف.
۲۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۳۰. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۶)، تفسیر روایی جامع، ج ۳، قم: مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحديث.
۳۱. معارف، مجید (۱۳۸۸)، شناخت حدیث (مبانی فهم متن - اصول نقد سند)، ج ۲، تهران: نشر نیا.
۳۲. مهریزی، مهدی (۱۳۸۹)، «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت»، نشریه علوم حدیث، س ۱۵.
۳۳. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۸۱)، ولایت و دیانت، ج ۳، قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد.